

قانون جزاً

هر گروه، سازمان و یا اجتماع که بیش از یک فرد تشکیل شده باشد برای تنظیم روابط بین اعضای خود لازم است که قواعد و مقرراتی را تدوین کند. هدف تنظیم مقررات جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظم امنیت در میان اعضای گروه است.

به میزان آن که تعداد اعضای گروه بیشتر باشند و روابط آنها پیچیده تر، تعداد مقررات نیز به تناسب بیشتر شده و زمینه های بیشتری را فرا میگیرد. به همین دلیل لازم بوده که در تمامی اجتماعات بشری، تمامی کشورها مقررات و قوانین خاص ابعاد مختلف روابط انسانی را شکل بدهند.

یکی از ابعاد مهم در اجتماع مسله امنیت و حفظ صلح اجتماعی است. برای رسیدن به این اهداف لازم است که اعمال و فعالیت های انسان پیش بینی شده و توسط مقررات آن قسمت از فعالیتها که ناشایسته و یا مضر شناخته میشوند بعنوان جرم تعریف شوند. سپس برای جلوگیری از رواج اینگونه فعالیتها برای جرائم جزا در نظر گرفته میشود. بخاطر موثر بودن تعریف جرم و جزاً لازم است که تعریف هر دو در شکل مقررات در دسترس عموم قرار بگیرد.

چنین نقشی نقش قانون جزاً است که توسط ماده اول قانون جزاً افغانستان چنین تعریف شده، این قانون جرایم و جزاً های تعزیری را تنظیم می نماید.

1. مسولیت طرح قانون جزاً

- طبق مواد 23 و 24، بند (1) قانون اساسی زندگی و آزادی حق طبیعی هر انسان است.

در نتیجه زنده گی کردن و آزاد بودن به عنوان دو حق طبیعی انسان شناخته شده اند و هر گونه تجاوزی به این حقوق باید یک استثنا باشد.

فقط در شرایط خاص میتوان به این دو اصل زنده گی و آزادی استثنا قائل شد به این معنی که میتوان آزادی شخص را کم کرد یا سلب کرد و حیات مشخص را ساقط نمود.

این شرایط خاص و اوامری که باعث پایمالی این دو اصل می توانند باشند توسط قانون جزاً تعریف و تعیین میشوند. توجیح تجاوز به دو اصل قانون اساسی توسط قانون جزاً در این یافت میشود که در برخی موارد لازم است که برای حفظ امنیت و صلح عامه، آزادی افراد خاص و مجرم محدود گردد به دلیلی که صلاح جمع عام ناتی بیشتری از صلاح انفرادی دارد.

اما برای جلوگیری از بی عدالتی و هرج و مرج چنین امکانی فقط به دولت و حکومت داده شده، طبق قانون اساسی حفظ امنیت و نظم جامعه مسولیت آنان است:

- ماده 5 قانون اساسی:

تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

- ماده 75، بند (3) قانون اساسی :

حکومت داری وظایف ذیل میباید:

(3) تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری

برای دسترسی به این اهداف حکومت بوسیله قانون گذاری و به عنوان داور اجتماعی به وکالت از ملت مقررات و ضوابطی را که برای حفظ نظم جامعه لازم بداند تدویر میکند.

- ماده 94 قانون اساسی:

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طوری دیگر تصریح گردیده باشد.

ایجاد نظم و امنیت وظیفه حکومت است و قانون جزاً وسیله ایی که حکومت آن را تدویر کرده و در اختیار قوای قضائیه و اجرائیه قرار میدهد تا به وظیفه خود عمل کنند.

2. قانون جزاً چه شکل دارد؟

قانون جزاً در چند کتاب و بخش تدوین شده و در یک ورکشاپ هدف از آن بصورت عملی این میباشد که اعمالی که جرم محسوب می شوند را تعریف کند، سپس مشخص نماید که افراد در چه شرایطی مجرم شناخته میشوند و در نهایت جزاهایی که بر هر جرم و مجرم خاص میتواند وارد کرد را تعیین نماید.

2.1 جرم چیست و به چه قسم است؟

2.1.1 اصل قانونیت

قبل از هر چیز باید متوجه بود که یکی از اصول حکومت قانون اصل برابری افراد در اجتماع است.

- ماده 22 قانون اساسی:

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

برابری افراد این معنی را دارد که با همه افراد بصورت یکنواخت عمل شود و در شرایط یکسان اعمال افراد نتایج یکسان داشته باشند.

برای تضمین این برابری و همچنین تضمین نظم اجتماعی یکی از اصول مهم حقوق جزائی قانونیت جرم و جزا است.

- ماده 27 قانون اساسی:

هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمیتوان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمیتوان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

- ماده 2 قانون جزا:

هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر بموجب قانون.

- ماده 3 قانون جزا:

هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق باحکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

- ماده 37 قانون جزا:

(1) عنصر قانونی جرم عبارت است از تصریح اعمال جرمی و جزاهای آن در قانون.

(2) قاعده قانونیت جرم و جزا، در احکام مندرج مواد (دوم و سوم) این قانون تصریح یافته است.

پس هیچ متهم را نمیتوان محکوم شناخت مگر اینکه عمل او توسط قانون جرم شناخته شده باشد. و هیچ محکومی را نمیتوان به مجازات رساند مگر اینکه چنین مجازاتی توسط قانون تعیین شده باشد.

به این شکل در مرحله اول هر شخصی قبل از ارتکاب عمل آگاهی دارد که عمل او ناشایسته شناخته شده و جزایی در پی خواهد داشت. در مرحله دوم جرم و جزا که توسط قانون تثبیت

شده باشند به همه افراد اجتماع تضمین برابری در برخورد جامعه با اعمال ناشایسته ایشان داده میشود.

2.1.2 تعریف جرم و جزا

قانون جزا اول به تعریف دقیق اقسام مختلف جرم می پردازد که سه قسم است:

- ماده 23 قانون جزا:

جرایم از حیث شدت و خفت به جنایت، جنحه و قباحت تصنیف میگردد.

- ماده 24 قانون جزا:

جنایت جرمی است که مرتکب آن به اعدام یا حبس دوام و یا حبس طویل محکوم گردد.

- ماده 25 قانون جزا:

جنحه جرمی است که مرتکب آن به حبس بیش از سه ماه الی پنج سال یا جزای نقدی بیش از سه هزار افغانی محکوم گردد.

- ماده 26 قانون جزا:

قباحت جرمی است که مرتکب آن به حبس از (24) ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم گردد.

قانون جزا سپس جزای اصلی را نام برده:

- ماده 97 قانون جزا:

- (1) اعدام
- (2) حبس دوام
- (3) حبس طویل
- (4) حبس متوسط
- (5) حبس قصیر
- (6) جزای نقدی

و بعد از آن در طول مواد 98 و بعدی هر یک از جزاها را تعریف کرده و جزا های ثانوی یا تکمیلی را نیز پیش بینی می کند. که این جزاها در شرایط خاص می توانند جایگزین جزاهای

اصلی شوند و یا به علاوه جزای اصلی محکوم وارد شوند. و در آخر شرایط تعلیق و عفو را فراهم و تعریف مینماید.

قانون جزا پس از اینکه در کتاب اول به تعریف جرم و جزا پرداخت، در کتاب دوم (ماده 173 به بعد) فهرستی تهیه کرده از تمامی جرایم و برای هر یک جزایی که در نظر گرفته شده را مشخص میکند.

به این شکل هر قاضی میتواند برای فیصله محکمه و چنانچه متهم محکوم شناخته شد به قانون جزا رجوع کرده و جزائی را که باید به محکوم وارد کرد در آن یافت کند.

اما آیا تمامی اشخاص میتوانند مجرم شناخته شوند و مجازات شوند؟

2.1.3 شرایط لازم برای محکومیت

همین طور که قبلاً اشاره شد همه اشخاص در برابر قانون مساوی هستند، در نتیجه قانون جزا بر همه اشخاصی که مرتکب جرم تعریف شده باشند وارد است. قدرت این اصل چنان است که پیشبینی شده در :

- ماده 5 قانون جزا:

بی خبری از قانون عذر پنداشته نمی شود.

به این معنی که متهم نمی تواند از محکومیت بگریزد به این دلیل که نمی فهمیده آیا چنین عمل جرم است یا خیر. چرا که قانون متن کتبی است و در اختیار عموم قرار دارد و عموم در مقابل آن مساوی هستند.

با این وجود متهم برای محکوم شدن باید واجد شرایط خاصی باشد که توسط قانون تعریف شده :

- ماده 27 قانون جزا:

عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون است بنحویکه عمل منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد.

- ماده 28 قانون جزا:

(1) شخص از جرمی که نتیجه عمل جرمی او نباشد مسول شناخته نمی شود.

شرط اول این است که متهم حقیقتاً و شخصاً مرتکب فعل باشد که جرم شناخته شده.

شرط دوم نیز توسط قانون جزاً تعریف شده:

- ماده 34، بند (1) قانون جزاً:

قصد جرمی عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلی که جرم را بوجود میآورد به نحوی که منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر و یا وقوع نتیجه جرم دیگر شود.

به این معنی که متهم باید اراده کرده باشد و متوجه باشد که جرم را انجام دهد. در غیر اینصورت ممکن است متهم محکوم شناخته نشود و یا اگر محکوم شناخته شد در مجازات وی تعدیل ایجاد شود.

بطوری مثال تدابیر خاصی برای شخصی صغیر و یا شخصی که دچار جنون و مرض عقلی باشد در نظر گرفته شده و مجازات ایشان تعدیل می شوند. و یا برای اطفال که کوچکتر از 7 سال باشند دعوی جزائی وجود ندارد.

البته باید به این نکته توجه شود که این تدابیر خاص مانع اصل برابری در مقابل قانون نیستند، بلکه بالعکس هدف این تدابیر این است که برابری ایجاد کنند. در شرایط نامساوی: فرد مجنون و یا طفل دارای اراده فاعل نیستند و نمی توان عیناً اشخاص بالغ و یا سالم آنها را مجازات نمود.

در مورد برابری در مقابل قانون جزاً میتوان همچنین به دو ماده 11 و 14 قانون جزاً اشاره کرد که حتی اشخاص ساکن را که تابعیت افغانستان را ندارند مکلف به رعایت قانون جزاً میسازد. به این معنی که چون در افغانستان به سر میبرند در مقابل قانون با افغانان برابر هستند و باید به مقررات افغانستان احترام بگذارند.

آخرین نکته در مورد اجرای قانون جزاً و مساوات در برابر آن حالات استثنائی است که برای اعضای شورای ملی و حکومت و قوه قضائیه در نظر گرفته شده.

به این علت که این افراد خاص دارای مسولیت‌های خاص هستند نمیتوان اجازه داد که به راحتی برایشان ایجاد گرفتاری قضایی کرد. در غیر اینصورت ممکن است رقیب‌های سیاسی آنان از این امکان استفاده کرده و به ناحق برایشان ایجاد مشکل نمایند.

به همین علت تدابیر خاص برای این فقره از اشخاص توسط ماده 102 قانون اساسی در نظر گرفته شده است:

تعقیب و توقیف اعضای شورای ملی ممکن میباشد اما با تصویب مجلس مربوطه. مورد تعقیب یا توقیف شدن یک عضو شورای ملی به این ترتیب فقط در صورت امکان پذیر خواهد بود که شواهد مشخص و مطمئن وجود داشته باشند که مجلس مربوطه را قانع نموده باشند.

به همین شکل تدابیر خاص برای رئیس جمهور، وزیر، رئیس و اعضای ستره محکمه در مواد 69، 78، 127 قانون اساسی در نظر گرفته شده که برای حفظ ثبات حکومت و قوه قضائیه و

همچنان برای حفظ اصل استقلال قوا در شرایط خاصی تعداد یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه میتوانند تقاضای اتهام شخص مورد نظر را تصویب کنند و موضوع را به محکمه خاص محول نمایند.

پس رجال سیاسی و قضائی عالی رتبه نیز از رعایت قانون جزاً و نظم اجتماعی معاف نیستند اما شرایط درگیری آنان به تناسب با اهمیت مسوولیت‌های شان در جامعه تنظیم گردیده.

3. پیرامون قانون جزاً و حقوق بشر

3.1 برائت ذمه

هم در قوانین بین المللی و هم در قوانین افغانستان برائت ذمه حالت اصلی میباشد. به این معنی که متهم بی گناه تلقی میشود تا وقتی که حکم قطعی وی را محکوم بشناسد.

- ماده 25 قانون اساسی:

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته میشود.

این ماده در مواد 4 قانون جزاً و مواد 4، 6، 35 و 36 قانون اجراءات موقت جزائی نیز منعکس گردیده است.

چون اصل برائت ذمه است در مرحله ما قبل محاکمه آزادی متهم را نمی توان محدود ساخت (مگر شرایط استثنائی). در جریان محاکمه قاضیان و مامورین دولتی باید از پیشداوری نسبت به قضیه خود داری نمایند و بیطرفانه به آن رسیده گی کنند تا به متهم امکان داده شود که احياناً بی گناهی خود را ثابت کند.

3.2 عدم رجعت قانون جزاً به ما قبل

یکی از نتایج حاکمیت قانون این است که آزادی های فردی در برابر مداخله خود سرانه و بیجای دولت حمایت میشود.

به این ترتیب اصل این است که قانون جزا نمی تواند به ما قبل رجعت کند، مطابق به این اصل تنها اعمالی جرم محسوب میشوند که توسط قانونی که در هنگام ارتکاب فعل وارد بوده به عنوان جرم تعریف شده باشد.

این اصل توسط قانون اساسی افغانستان تدوین شده:

- ماده 27 قانون اساسی، بند (1) و (3):

هیچ عملی جرم پنداشته نمی شود مگر اینکه به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

طبعیاً قانون جزاً نیز این اصل را در مواد 3 و 21 خود تطبیق داده است.

بر اساس این شرط دو عنصر وجود دارد:

(1) اعمالی که قانوناً به عنوان جرم تعریف نشده باشند، نمیتواند اساس تحقیق، تعقیب عدلی، صدور حکم و یا مجازات باشد.

(2) در زمینه تغییرات و اصلاحات قانونی نمیتوان هیچ شخص را به علت عملی که در هنگام ارتکاب آن جرم تلقی نمی شد مورد تعقیب عدلی قرار داد، حتی اگر بعد از ارتکاب عمل و قبل از دایر شدن محکمه این عمل توسط قانون جدید به عنوان جرم شناخته شود.

البته این اصل مطلق نیست و در یک حالت مورد استثنا قرار میگیرد: اگر قانون جدید نسبت به قانون ماقبل که در زمان نفوذ آن ارتکاب جرم پیش آمده برای متهم مساعد تر باشد، در اینصورت قانون جزاً جدید که مساعد تر است میتواند به ما قبل رجعت کند و بکار گرفته شود.

چرا که برابری در مقابل قانون ایجاب میکند در مرحله اول افراد بر اساس اعمالی که در حین ارتکاب آن جرم شناخته نمی شدند محکوم نشوند چون از ناشایست بودن آن مطلع نبودند. اما در مرحله دوم ایجاب میکند که اگر قانون جزاً جدید مساعدتری تصویب شد شخص متهم نیز به تساوی از متهمین دیگر از آن بهره بردار شود.